

رابطه باورهای غیر منطقی با چرخه زندگی در متقاضیان طلاق

دکتر سیدحسین سلیمی*، دکتر رضا کرمی‌نیا، دکتر سیدمحمود میرزمانی،
مرتضی خاقانی‌زاده، دکتر غلامرضا کرمی، آسیه رضانی

چکیده:

هدف: از پژوهش حاضر تعیین رابطه بین باورهای غیرمنطقی با چرخه زندگی در زوجینی است که درخواست طلاق داده‌اند.

آزمودنی‌ها: ۱۷۸ نفر از متقاضیان طلاق (۱۲۰ نفر زن و ۵۸ نفر مرد) در شعبه ۲۳ دادگاه خانواده شهر رشت مورد مطالعه قرار گرفتند.

روش: ابزار جمع‌آوری شامل دو پرسشنامه بود؛ یکی پرسشنامه محقق ساخته ویژگی‌های فردی و دیگری پرسشنامه باورهای غیرمنطقی جونز بود.

نتایج: نتایج نشان داد که در متقاضیان طلاق در مجموع بین باورهای غیرمنطقی و چرخه‌های زندگی رابطه معنادار وجود دارد. اکثریت متقاضیان طلاق در چرخه سوم زندگی خود (پرورش کودکان) قرار دارند و بالاترین میانگین نمرات باورهای غیرمنطقی برای چرخه پنجم زندگی (بازنشستگی و مرگ) بدست آمد. نتایج تحقیق نشان داد که بیشترین میانگین باور غیرمنطقی در چرخه پنجم و کمترین نمره میانگین باورهای غیرمنطقی در چرخه سوم وجود دارد. به علاوه در تحقیق حاضر مشخص شد که باورهای غیرمنطقی شامل، دلواپسی شدید، آمادگی برای سرزنش و ناامیدی نسبت به تغییر بیشترین میانگین نمره و باورهای غیرمنطقی اجتناب از مسائل، بی‌مسئولیتی عاطفی و انتظار بالا از خود از کمترین میانگین نمره برخوردار بودند. همچنین بیشترین انواع باورهای غیرمنطقی به ترتیب در چرخه پنجم، اول و دوم قرار دارند. بین باورهای غیرمنطقی در دو جنس به جز در باور غیرمنطقی A دلواپسی شدید^۱ تفاوت معناداری پیدا نشد. در این باور غیرمنطقی زنان نمره بیشتری از مردان کسب کردند.

* عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)

مقایسه سلامت عمومی مادران کودکان غیر معلول، عقب مانده ذهنی، نابینا، ناشنوا و معلول جسمی - حرکتی

دکتر محمدعلی مظاهری*

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف مطالعه مقایسه سلامت عمومی مادران کودکان غیر معلول، عقب مانده ذهنی، نابینا، ناشنوا و معلول جسمی- حرکتی طراحی و اجرا گردید. تعداد ۴۷۴ نفر مادر (۲۲۰ نفر مادران کودکان غیر معلول، ۸۴ نفر مادران کودکان عقب مانده ذهنی، ۵۳ نفر مادران کودکان نابینا، ۸۹ نفر مادران کودکان ناشنوا و ۲۸ نفر مادران کودکان معلول جسمی- حرکتی) به عنوان نمونه در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه سلامت عمومی را تکمیل نمودند. نتایج نشان داد نمرات سلامت عمومی مادران کودکان غیر معلول با مادران کودکان استثنایی تفاوت معناداری ندارد و میانگین نمرات سلامت عمومی در مادران کودکان نابینا در زیر مقیاس‌های A نشان‌های بدنی، A اضطراب و بیخوابی، A نارسا کنش‌وری اجتماعی و A افسردگی و نهایتاً نمره کلی GHQ نسبت به سایر گروه‌ها بالاتر می‌باشد. تجزیه و تحلیل نهایی نمرات بدست آمده توسط آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه مادران نشان داد که به جز تفاوت معنادار مادران کودکان نابینا در زیر مقیاس A اضطراب و بی‌خوابی و نمره کلی GHQ با مادران کودکان ناشنوا، در سایر گروه‌ها تفاوت معناداری مشاهده نشد. البته اگرچه مادران کودکان معلول جسمی- حرکتی تفاوت معناداری در نمرات سلامت عمومی با دیگر مادران ندارند، اما نمره سلامت عمومی آنان پس از مادران کودکان نابینا دارای بیشترین مقدار است. در تبیین تفاوت معنادار بین این گروه از والدین به عواملی همچون بارز بودن معلولیت، نداشتن تماس‌های اجتماعی، جنسیت و ... در تبیین عدم تفاوت معنادار بین مادران کودکان غیر معلول و معلول به مواردی همچون نوع پاسخ خانواده به رویداد استرس‌زا، کاربردهای مقابله‌ای مناسب، سن کودکان، منابع اقتصادی- اجتماعی و ... اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: سلامت عمومی- مادر- عقب مانده ذهنی- نابینا- ناشنوا، معلول جسمی- حرکتی

بررسی سلسله مراتب نظام ارزشی نوجوانان دانش آموز در شیوه‌های فرزندپروری مختلف

منصوره سادات صادقی*، محمود حیدری**

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف مطالعه بررسی سلسله مراتب نظام ارزشی نوجوانان دانش آموز در شیوه‌های فرزندپروری مختلف طراحی و اجرا گردید. تعداد ۲۴۹ دانش آموز (۱۲۹ دختر و ۱۲۰ پسر) براساس نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای تصادفی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به پرسشنامه‌های سنجش شیوه‌های فرزندپروری و نظام ارزشی پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل نهایی نمرات به‌دست آمده با استفاده از آزمون غیرپارامتریک فریدمن نشان داد که برای آزمودنی‌هایی که شیوه‌های فرزندپروری والدین خود را پاسخگو، سهل‌گیر و مستبد درک کرده بودند، نظام ارزش‌ها سلسله مراتب معنادار و برای آزمودنی‌هایی که شیوه‌های فرزندپروری والدین خود را طردکننده و آشفته درک کرده بودند، نظام ارزش‌ها سلسله مراتب معناداری ندارد. سلسله مراتب نظام ارزشی در آزمودنی‌هایی که والدین خود را پاسخگو در نظر گرفته بودند به ترتیب: ملی، اجتماعی، خانوادگی، دینی، علمی، فردی، اقتصادی، هنری، سیاسی و جهانی و در آزمودنی‌هایی که والدین خود را سهل‌گیر فرض کرده بودند به ترتیب: اجتماعی، ملی، خانوادگی، علمی، دینی، فردی، هنری، اقتصادی، سیاسی و جهانی و سرانجام برای آزمودنی‌هایی که والدین خود را مستبد در نظر گرفته بودند به ترتیب: ملی، علمی، اجتماعی، خانوادگی، دینی، فردی، اقتصادی، سیاسی، جهانی و هنری می‌باشد. نکته قابل توجه رتبه‌بندی بالای ارزش‌های ملی، خانوادگی، اجتماعی و دینی و رتبه‌بندی پایین ارزش‌های سیاسی و جهانی در کلیه شیوه‌های فرزندپروری (به‌جز شیوه فرزندپروری آشفته) می‌باشد. همچنین تحلیل نتایج با استفاده از آزمون کراسکال - و ایس نشان داد که در شیوه‌های فرزندپروری مختلف، نظام ارزش‌ها در مقوله‌های خانوادگی، اجتماعی، هنری، دینی و ملی تفاوت معنادار دارند. بالاترین رتبه‌بندی مقوله‌های خانوادگی، اجتماعی، دینی و ملی در نظام ارزش‌ها مربوط به شیوه فرزندپروری پاسخگو و رتبه بالای مقوله هنری در نظام ارزشی مربوط به خانواده سهل‌گیر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های فرزندپروری، سلسله مراتب نظام ارزشی، نوجوانان دانش آموز

* دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی - تهران
** عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی و پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

بررسی عوامل زمینه‌ای - فردی و ارتباطی - دوجانبه‌ای مؤثر بر سازگاری زناشویی

خدابخش احمدی*، علی فتحی آشتیانی*، شکوه نوابی نژاد**

چکیده:

مقدمه: خشنودی، رضایت و خوشبختی زندگی نیاز به تلاش زوجین دارد. سازگاری در روابط زناشویی بر میزان سلامت روانی زوجین، میزان رضایت از زندگی و حتی بر میزان درآمد، موفقیت تحصیلی و رضایت از شغل تأثیر می‌گذارد. از سویی دیگر ناسازگاری در روابط زوجین موجب اختلال در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات اجتماعی، افول ارزش‌های فرهنگی در بین زوجین می‌شود. براین اساس، توجه، مطالعه و پژوهش در زمینه سازگاری و ناسازگاری زناشویی مهم و اساسی است.

هدف: هدف اصلی این پژوهش تعیین عوامل مرتبط و مؤثر بر سازگاری و ناسازگاری زوجین بود. برای این منظور از مدل دو بعدی عوامل زمینه‌ای- فردی و عوامل ارتباطی- دوجانبه‌ای استفاده شد.

روش: این پژوهش به روش توصیفی- زمینه‌یابی انجام شد و در آن ۹۰۰ زوج از بین ساکنین مناطق مختلف شهر تهران با استفاده از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات آزمون رضایت زناشویی انریچ و پرسشنامه عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی بود.

نتایج: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که از بین متغیرها و مؤلفه‌های مورد بررسی آشنایی قبلی زوجین با یکدیگر، روابط صمیمی در دوران نامزدی، روابط صمیمی در بین خانواده‌های زوجین، رابطه صمیمی بین والدین زوجین، تقیدات مذهبی زوجین و وجود مدیریت مشارکتی در خانواده با سازگاری زناشویی زوجین ارتباط داشت.

بحث: وجود سازگاری زناشویی برای خوشبختی زندگی مهم است. برای افزایش سازگاری زناشویی باید هم به عوامل زمینه‌ای- فردی و هم به عوامل ارتباطی- دوجانبه‌ای توجه داشت.

کلید واژه‌ها: ازدواج، سازگاری زوجین، روابط زناشویی.

* دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله (عج) - مرکز تحقیقات علوم رفتاری

** دانشگاه تربیت معلم - دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

تأثیر مقایسه پرخاشگری و تنیدگی در والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر و غیر عقب‌مانده ذهنی

مهدی خانبانی*، دکتر نشاط‌دوست**

چکیده:

پژوهش حاضر به مقایسه پرخاشگری و تنیدگی در والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر و والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی پرداخته است. نمونه مورد بررسی شامل ۴۰ زوج از والدین کودکان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر دختر و پسر که در مدارس استثنائی شهر اصفهان شاغل به تحصیل بودند و ۴۰ زوج از والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده دختر و پسر که در مقطع دبستان در شهر اصفهان مشغول به تحصیل بودند، می‌باشد. روش نمونه‌گیری برای والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی، به شیوه تصادفی - خوشه‌ای و در والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده ذهنی به شیوه تصادفی ساده می‌باشد. ابزار پژوهش حاضر شامل پرسشنامه پرخاشگری آیزنک (۱۹۶۳) و پرسشنامه تنیدگی فردریک و همکاران (۱۹۷۴) بود. نتایج تحلیل واریانس نشان داد، میزان پرخاشگری و تنیدگی والدین دارای دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی به‌طور معناداری از والدین دانش‌آموزان غیر عقب‌مانده بیشتر بود ($P < 0/05$). هم‌چنین بین میزان تنیدگی والدین دانش‌آموزان عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر از یک طرف و میزان و پرخاشگری آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/05$).
کلید واژگان: پرخاشگری، تنیدگی، دانش‌آموز عقب‌مانده ذهنی آموزش‌پذیر، والدین.

* کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه تهران
** عضو هیئت علمی گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

هنجاریابی مقیاس جو خانواده برای خانواده ایرانی ساکن تهران

شیدا ملاشریفی*

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف هنجاریابی فرم واقعی^۱ مقیاس جو خانواده برای خانواده‌های ایرانی براساس نظریه کلاسیک می‌باشد. نمونه آماری شامل ۵۱۰ نفر از خانواده‌های عادی، که به روش تصادفی و تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند و ۳۶ نفر از خانواده‌های مشکل‌دار است. ابزار پژوهش، مقیاس جو خانواده (فرم I) می‌باشد. پایایی مقیاس به دو روش ضریب آلفای کرونباخ برای هر ده خرده‌مقیاس و روش بازآزمایی به فاصله ۱/۵ ماه و محاسبه ضریب همبستگی پیرسون برای هر یک از خرده‌مقیاس‌ها به دست آمد. آلفای محاسبه شده دامنه‌ای از ۰/۵۶ تا ۰/۷۹ و ضریب همبستگی آن‌ها دامنه‌ای از ۰/۶۳ تا ۰/۸۳ را در بر گرفت. در روایی تشخیصی، تفاوت میانگین گروه‌های عادی و مشکل‌دار با آزمون t مستقل مورد مقایسه قرار گرفت، که نتیجه در همه خرده‌مقیاس‌ها غیر از «پیشرفت مدار» و «سازماندهی»، معنادار بود.

کلیدواژه‌ها: هنجاریابی، مقیاس جو خانواده، تعامل خانوادگی.

بررسی مقدماتی اثر تصور هدایت شده با موسیقی بر کاهش استرس، افسردگی و اضطراب مادران کودکان مبتلا به اختلالات اتیستیک*

دکتر علی زاده محمدی**، دکتر حمیدرضا پورا اعتماد**، غفار ملک خسروی***

چکیده:

اتیسم یکی از اختلالات فراگیر رشد دوران کودکی است که با تخریب پایدار در تعامل اجتماعی متقابل، انحراف ارتباطی و الگوهای کلیشه‌ای محدود مشخص می‌شود. به‌خاطر مشکلات فراوان این کودکان خانواده‌ها و به‌خصوص مادران دارای کودک اتیستیک از تنش و فشارهای روانی زیادی رنج می‌برند. روش تصور هدایت شده با موسیقی، روشی شناخته شده با ویژگی آرام‌بخشی و حساسیت‌زدایی است که پاسخ‌های روانی و عاطفی افراد دچار استرس و افسردگی را تحت تأثیر قرار داده و پاسخ‌های تنش‌زا را کاهش می‌دهد و موجب آرامش می‌شود. از این‌رو می‌تواند در کاهش استرس و اضطراب والدین کودکان دچار اختلالات نافذ نیز به‌کار آید و توانایی آن‌ها را برای کمک به توان‌بخشی کودکان‌شان افزایش دهد. در این پژوهش اثر روش تصور هدایت شده با موسیقی بر کاهش استرس، افسردگی، اضطراب مادران کودکان مبتلا به اختلالات اتیستیک بررسی گردید. برای ده نفر از مادران به مدت یک ماه و در چهار جلسه حضوری و پنج جلسه تمرین در خانه تصور هدایت شده با موسیقی انجام شد. ابزار سنجش شامل آزمون DASS بود که سه متغیر افسردگی، اضطراب و استرس را ارزیابی می‌کند. و در پژوهش‌های مختلف به‌کار رفته و در ایران نیز هنجاریابی شده است. یافته‌ها نشان از آن دارد که گرچه روش آرام-سازی با موسیقی و بحث در مورد حالات موسیقایی در مجموع موجب کاهش مشکلات اضطراب، افسردگی و استرس مادران گردیده، اما تنها اثر معنادار آن کاهش استرس مادران در جلسه سوم بوده و سایر علائم به‌طور نسبی کاهش یافته‌اند. این یافته با توجه به پیشینه و ماهیت متغیرهای در نظر گرفته شده قابل توجیه و تفسیر است.

کلید واژه: موسیقی درمانی، استرس، افسردگی، اضطراب، اتیسم.

* این پژوهش با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

** عضو هیأت علمی پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

** عضو هیأت علمی گروه روانشناسی و کارشناس ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

Relationships between irrational beliefs with life cycles in divorced couples

Salimi, Seyed-Hosein Ph.D; Karaminia, Reza, Ph.D; Mirzamani, Seyed-Mahmoud, Ph.D;
Khaganizadeh, Morteza M.Sc; Karami, Golamreza M.D, Azad-Marzabadi, Esfandiar Ph.D, and
Ramzani, Aseyeh, M.Sc.

Summary

The present study aims to find the relationships between irrational beliefs with the life cycles in couples who claim to divorce. Subjects: 178 including 120 females and 58 males who are referred to the Court. Method: participants were requested to fill in the Irrational Beliefs Inventory (IBI) as well as a demographic questionnaire.

Results: results showed that there were significant differences between irrational beliefs with the life cycles. In addition, the majority of divorced couples were in the third life cycle (raising children). The highest mean scores of irrational beliefs were found for the fifth cycle (retirement and death) and first life cycle (marriage).

Irrational beliefs such as Anxious Overconcern (AO), Frustration Reactive (FR), and Helplessness for Change (H.C) had the highest mean scores while, the Problem Avoiding (P A), Emotional Irresponsibility (EI), and High Self-Expectation (HSE) had the lowest mean scores. However, the most irrational beliefs were found in second and first life cycle, respectively. With respect to sex, analysis failed to show significant relationships on IBI subscales, except on the anxious overconcern.

Keywords: Irrational beliefs, life cycles, Divorce, Couples.

THE STUDY EFFECTS OF CONTEXTUAL-PERSONAL AND RELATIONSHIP-MUTUAL FACTORS ON MARITAL ADJUSTMENT

Khodabakhsh, Ahmadi(Ph.D)¹;Ali, Fathi Ashtiyani(Ph.D)¹;shokooh, navabinejad(Ph.D)²

Introduction: Happiness and satisfaction in any marriage requires that both wife and husband try for it. Marriage compatibility will of course influence the couple's psychological health, life satisfaction and even the rate of income, educational success and job satisfaction. On the other hand marriage incompatibility can result in social relationships disorder, tendency to social deviations and decline of cultural value in husband and wife. According to what is described above, consideration, study and research in the field of marriage incompatibility are of great importance.

Method: The research method was survey (descriptive) and in this 900 couples of Tehran were chosen in their using multi-phase cluster method. The utilized tool for collection of data is ENRICH Marital Satisfaction Scale and self-report for Assessment Factors Questionnaire.

Results: The result of the research showed that the variables of premarital relation, intimacy relation in betrothed period, relationship between couple family of origin, couple parents adjustment, religious, democratic family management were significant relationship with marital adjustment.

Discussion: The marital adjustment essential for life satisfaction. Increase of marital adjustment request attention, assessment and regard of contextual-personal and relationship-mutual factors on marital adjustment factors.

A comparison between aggression and stress of parents of mentally retarded and normal students

Mehdi khanbani & Hameid Taher NeshtDoost
Department of Psychology ,University of Isfahan.Iran

The purpose of the present study was to investigate the severity of aggression and stress in parents of mentally retarded students. Subjects consisted of 40 parents of educable mentally retarded students who were randomly selected from schools for exceptional students in Isfahan. Forty normal students who were matched on age and gender were randomly selected from primary schools of Isfahan as a control group. Questionnaires consisted of Eysenk Aggression Questionnaire and Enderick Stress Questionnaire.

The results of analysis of variance showed that compared with parents of normal students the severity of aggression and stress of parents of mentally retarded students was significantly higher ($p < 0/05$). It was also found that the relationship between stress of parents of mentally retarded students and their aggression and educational level was significant ($p < 0/05$).

Keyword: Aggression , Stress ,Mentally Retarded Students, Parents.